



فیروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

- مقالات چاپ شده دیدگاه فیروز کوه نیست.
- فیروز کوه در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مطالب ارسال شده دوباره مسترد نمیگردد. با نظریات و پیشنهادات خود ما را جهت بهتر شدن فیروز کوه همکاری نمایید.
- با تشکر از آنانیکه ما را در این شماره از طریق فرستان مطالب شان یاری نموده اند.
" اداره فیروز کوه "

سنگر و ساقی چرا کنار رفتند؟



**گفتگو با سارنوال
مرافعه غور :**

های جدید در صحنه های تصمیم گیری به حمایت و دلسوزی نیاز مند است؟ آیا مشکل را در خود تحصیلکرده ها و قشر جوان و مکتب خواننده باید جستجو کرد؟ آیا مسولین از ورود افراد کارفهم و متعهد هراس دارند؟ اگر دارند چرا؟ این آیا و اگرها و بسیار اگر و اماهای دیگر در این رابطه می تواند پیش کشیده شود، اما چه کسی باید

تحصیلکردگان در دولت متوقف شد، بلکه سنگر و ساقی نیز از کار در دولت کنار رفتند و یا هم کنار زده شدند. حالا این مساله چه علل و عواملی می تواند داشته باشد، باید به صورت دقیق بررسی گردد. سنگر و ساقی هر دو کسانی بودند، تحصیلکرده، پرکار، زحمتکش، متعهد و وطندوست، دارای تیپ انتقادی و وارد به زبان انگلیسی و کامپیوتر. پس به چه

در زمان ولایت آقای افضل، تیپ تحصیلکرده و جوان کم - کم وارد صحنه های تصمیم گیری می شدند و قرار بود که این پروسه آهسته آهسته به صورت جدی تر عملی گردد. آمدن ساقی و استاد سنگر و کوشانی در چوکات دولت یکی از شواهد این مدعا می تواند باشد و تشویق ها و قدردانی های که هر روزه از کار داکتر یعقوبی صورت می گرفت و حرف های

که در رابطه به جوانان هر روز از دهن والی شنیده می شد می تواند مثال دیگر این واقعیت به حساب آید. بر علاوه، قرار بود عبدالغفور غفوری فارغ التحصیل اقتصاد به ریاست اقتصاد جذب شود و همین طور در مورد سرور سالک و هدمند، و جیلانی روستایی و دیگران نیز حرف های شنیده می شد که آن ها هم در جاهای مهم دولتی وظیفه خواهند گرفت. بارتتن افضلی و آمدن آقای احمدی، نه تنها که روند رفتن جوانان و

دلیل و به چه علت حکومت نخواست که اشخاصی با این شرایط و اوصاف درحکومت کار نمایند؟ آیا دولت به آدم شایسته و اهل کار نیاز ندارد؟ آیا دولت افراد تحصیلکرده و کاردان زیاد دارد و دیگر جای خالی موجود نیست؟ آیا سرخ قضیه به توصیه های برخی از وکلای پارلمان بر میگردد؟ آیا واقعاً سستم طوری هست که ادمی که به فساد آلوده نباشد، عرصه رابرخود تنگ می یابد؟ آیا وارد کردن چهره

به این پرسش ها پاسخ دهد؟ معلوم نیست. فعلاً باید منتظر بود که آینده چه چیزی در خورجین خواهد داشت و جوانان خود در این رابطه چه کارهای می توانند سامان دهند؟ آیا بهتر است که «روشنفکران قدرتمندان بی مسند» باقی بمانند و «آهوی مازندران را به تازی مازندران» واگذارند یا خود ابتکار عمل را در دست گیرند و خودشان آینده سیاسی شان رارقم زنند؟ بازهم معلوم نیست. **خان محمد سیلاب**

فیروزکوه: جناب سارنوال صاحب؛ ضمن تشکر از شما که وقت تان را در اختیار ما گذاشتید. می خواهیم بدانیم که شما چون تازه به غور آمده اید، تصویر شما از وضعیت عدالت و مسایل حقوقی - قضایی در غور چگونه است؟ و شما از این لحاظ غور را چه گونه یافتید؟

سارنوال: تشکر. بسیار خوشحال می شوم که لحظه ی ما و شما باهم صحبت می کنیم. اول خو ما که به غور آمدیم مردم از ما استقبال نمودند و اظهار رضایت کردند. مردم غور واقعاً بسیار مردم شایسته و مردم مظلوم و رنج دیده می باشند. من به مردم غور وعده می دهم که در راه مبارزه با جرایم جنایی و تامین عدالت فردی و اجتماعی و دادن حق مظلوم و گرفتن حق مظلوم، از طریق عدالت و سپردن جنایت کاران به پنجه قانون تلاش کنم. کسانی که مرتکب جرم هستند و یا کسانی که اختلاس می کنند به همکاری مقام ولایت، پولیس، نیروی امنیتی و ریاست محترم امنیت ملی بتوانیم آن ها را به مراجع قانونی بسپاریم. اگر پرسش و سوال باشد، یک تعداد افراد می ترسند و در برابر قانون احساس مسولیت می کنند، زیرا می دانند که تعقیب جزایی را در پیش رو دارند. ما می خواهیم که متخلفین را به محاکمه بکشانیم. سارنوال گذشته ی ما متاسفانه یک تعداد مسایل را غیر مسولانه بررسی نمودند. مثلاً: شهردار ها را بی گناه در زندان انداختند. حتی اشخاصی بودند که مدت شش الی هفت ماه بدون موجب در زندان بودند. من این قضایا را به قسم درستش بررسی نمودم. آن ها آزاد شدند.

برنج و روغن برای مهاجرین بی بضاعت توزیع گردید



دفتر گلوبل که برای اولین بار در افغانستان جهت کمک به افغانها در سال 1999 تاسیس گردیده است، در هفت ولایت افغانستان کابل - هرات - بلخ - قندهار - بامیان - غور و بادغیس فعالیت دارد. در ولایت غور برای اولین بار در ماه میزان سال 1384 تاسیس یافت. در ابتدای فعالیتش نظر به تقاضای والی وقت پروگرام تعلیم و تربیه را آغاز نموده که در آن کورس های تربیوی انگلیسی و کمپیوتر جا داده شده بود. نا گفته نماند که دفتر گلوبل در انکشاف جامعه نیز پروژه های را در دست دارد. ادامه ص 2

ندای پُل دهن کنديوال



محتاج ترمیم و سنگ های تحتانی به اثر سیلاب ها از کالبد من جدا شده بود هیچ جوانمرد پیدا نشد که بر من رحم نموده و مرحم روی زخم من بگذارد. با تحمل همه زحمت ها و مشکلات در بهار سال 1386 طوفان عظیمی و سیلاب بزرگ

آه های مردم، آه های دریوران و راننده گان وسایط نقلیه، آه های اهالی شهر و چغچران، آه های سیکل سواران و بایسکل سواران، آه های آقایان و مسئولین ارگان های دولتی، آه های

نمی شود . ولسوال های محترم با سارنوال ها برخورد نیک ندارند . باید ولایت و قوماندانی امنیه کتباً به ولسوالی ها هشدار بدهند که با سارنوال های ما، در همه موضوعات همکاری همه جانبه داشته باشند .

فیروزکوه: آیا جوانانی که تحصیل حقوقی دارند ، اگر به دفتر شما مراجعه کنند پذیرفته می شوند ؟ دید گاه شما نسبت به این ها چه گونه است ؟

سارنوال: من خواهش من از کسانی که تحصیلات حقوقی دارند این است که به ما مراجعه کنند و پیشنهاد بدهند. سارنوال باید مسلکی باشد. اگر تحصیلات مسلکی نداشته باشد، کار سارنوالی به صورت درست پیش نمی رود. چون سارنوالی یک ارگان حقوقی و عدلی می باشد . سارنوالی مرکز و مخصوصاً سارنوالی های ولسوالی در خدمت این عزیزان قرار دارد . ما به آن ها نیاز داریم و می خواهیم که درچوکات سارنوالی به ما کمک نمایند.

فیروزکوه: به عنوان سوال آخر ، گرچه چندان مساله مهمی هم نیست ؛ اما شنیده می شود که شما یک تعداد اجبران و خانه سامان ها را منفک کرده اید تا از بادغیس به جای آن ها نفر مقرر کنید ، دراین رابطه چه گفتنی دارید ؟ آیا این

برنج و روغن برای مهاجرین....

در ماه ثور سال 1385 پروگرام مبارزه علیه توبرکلوز یا (DOTs) را که به ولسوالی های تیوره و پسابند نیز توسعه یافته است، آغاز نموده که تا حال ادامه دارد. در ماه سنبله سال جاری بعد از خواهش دولت در رابطه به بیجا شده گان داخلی که از اثر آفت های طبیعی به مرکز این ولایت مهاجر گردیده بودند ، برنج و روغن توزیع نمود. توزیع این مواد که شامل 30 بوجی برنج 25 کیلوگرامه و 54 کیلوگرام روغن برای بیش از 30 فامیل مهاجر بود در 27 سنبله سال جاری صورت گرفت.

عبدالقهار "دانشیار"

مسئول دفتر گلوبل

گفتگو با سارنوال.....

سارنوال وظیفه دارد که عاجل تصمیم بگیرد ؛ هیچ کس حق ندارد بدون حکم ، کسی را به زندان نگه دارد. در اداره سارنوالی قبلی ما ، بی نظمی وجود داشت اکنون همه چیز نسبتاً منظم است . منبعد باید قانون اجرا شود . ما اگر از جنایت کاران پیشتیبانی کنیم ، گویا خود ما به ملت خود خیانت کرده ایم . من از تمام سارنوال های ولسوالی خواستم که منبعد فقط باید قانون تطبیق شود.

فیروزکوه: تشکر، جناب سارنوال صاحب. آیا از همکاری و هماهنگی با سایر ادارات ذریبط راضی هستید؟

سارنوال: همکاری بین ادارات دولتی مثل: محکمه، امنیت ملی، پولیس و غیره بسیار خوب است. گرچه مسایل خود وریزه بین سارنوال ها و محاکم وجود داشت که اکنون کاملاً رفع گردیده است. تمام قضایا را به شکل عادلانه و برادرانه به پیش می بریم. قسمی که پیشتر عرض کردم، اداره امنیت ملی و قوماندانی امنیه با ما خیلی همکاری دارند؛ اما ما یک اندازه از پولیس شکایت داریم؛ زیرا قسمی که لازم است جلو قاچاق مواد مخدر را نمی گیرند و من این را به صراحت گفته می توانم. باید در این باره هم همکاری خوب شود. سارنوالی به تنهایی نمی تواند با تمام اختلاس ها و مشکلات مبارزه نماید، بلکه به همکاری دیگر ارگان ها نیاز دارد.

فیروزکوه: اوضاع سارنوالی های ولسوالی ها آیا برای شما قانع کننده هست؟

سارنوال: متأسفانه در ولسوالی ها تشکیل ما بسیار کم شده است. از طرف دیگر افراد مسلکی و آگاه کمتر داریم. یک سارنوال باید معلومات حقوقی کامل داشته باشد، حد اقل لیسانس حقوق و یا شرعیات باشد. مساله دیگر این که متأسفانه بعضی اوقات در سطح ولسوالی ها مسایل از طریق قانونی پی گیری

مساله درست است؟

سارنوال: ماتنها دو تن را از وظیفه اش برطرف نموده ایم. زیرا من یک دربور (راننده) و یک خدمتگار که مورد اطمینان سارنوال باشد ضرورت داریم. لازم دانستم که یک دربور و خدمتگار از خویشای خود انتخاب نمایم. همه دوستان چند نفر از خود دارند که مورد اطمینان شان باشند. گرچه می خواهم همان یک نفر را هم دوباره برگردانم. پولس فقط 4 نگهبان به سارنوالی داده که خیلی کم است؛ اما آن ها مشکلات دارند و به کمبود نفر مواجه هستند.

فیروزکوه: از این که وقت شما را گرفتیم معذرت می خواهیم. موفق باشید.

سارنوال: خواهش می کنم. سلامت باشید. خوش آمدید.

آیا قبلاً شنیده بودید!

جمع آوری دندانها:

جیو دندانساز معروف و رهبر مذهبی کشور ایتالیا از سال 1868 الی 1904 میلادی تمام دندان های کشیده شده مریضان خود را جمع آوری نمود که تعداد آنها به 200744 دندان رسید.

درازترین سفر پیاده روی:

دراز ترین سفر پیاده روی را جون لیس امریکائی در فاصله میان نیویارک و سن فرانسسکو بطول 939 کیلومتر در 52 روز و 12 ساعت و 15 دقیقه انجام داده است

شهرداری شهر چغچران (فیروزکوه)، آه های موسسات خیریه ی داخلی و خارجی. بشنوید که من چی میگویم و بدانید که من چیستم. با نابودی ام چی ماتم سرای درشهر چغچران (فیروزکوه) رخ خواهد داد و کی ها به ماتم من خواهد نشست. من پلی هستم که در دوران حکومت داوود خان در بین سالهای 1352 و 1353 از سنگ و خشت بالای لرنکندیوال یا جر کندیوال توسط فوائد عامه وقت ساخته شده ام. از عمرم تقریباً 34 سال می گذرد. طی این مدت بارهای سنگین و سبک از بالایم گذشتند. موترهای سنگین بار، تانک ها و غول پیکرهای سنگین روسی، موترهای سواری و تیز رفتار، موترسکیل ها و بایسکل ها به کرات و مرات از بالایم عبور کرده اند. اشخاص و افراد سواره و پیاده از بالایم گذشتند.

شهرداران و سرومداران از آنزمان تا این زمان به حیث وسیله از من استفاده کردند ولی با تأسف که هیچ کس از خورد تا بزرگ این شهر به من به چشم احترام ندیده و هیچ کس از من تومارداری و بیمارپرسی نکرده و همه آبادی های که در دوران زنده گی ام به شهر چغچران شده بود چندین بار خراب و آباد شدند ولی من بیچاره با همه رنج و زحمت این بار پُر مشقت را متحمل شدم و تا اکنون به حال نیمه جان زنده هستم و طی دوران زنده گی ام با وصف اینکه اکثر حصص وجودم

از کندیوال آمد که من را تکان داد. حتی یک متر آب روی سرم بالا شد و در آن زمان که من درحال جان کندن در زیر آب بودم، همه شهروندان شهر چغچران (فیروزکوه) به شمول مسئولین امور و ادارات دولتی به احوال پرسی من نه بلکه به تماشای جان کندن من آمده بودند و به طرف من دیده و دست تأسف را بهم میزدند که اگر پُل تخریب شود از این لر یا جر بزرگ وسایط نقلیه چطور بگذرد و کدخدایان شهر منجمله شهردار به دیدن من آمدند و در همان وقت می گفتند که اگر از این واقع نجات یافتی، ترا ترمیم خواهیم کرد. سیلاب بیرحم وجودم را در هم شکسته، سنگ های اطراف دیوار هایم را از من جدا کرده به حیث تحفه به دریای هریود برده است و من به قدرت خداوند پاک تقریباً در هوا معلق ایستاده ام، فقط خشت های گنبد من و کنگره آن باقی مانده است. روزی کدام صغیر و یتیم را به اثر افتادن به شهادت خواهیم رسانید و آن وقت وای وای شهردار صاحب سودی نخواهد داشت. ای کاش آنروز که من بزمین می افتم در آن زمان یکی از مسئولین شهرداری با موترش همراه من به لر کندیوال بی افتد و خون آن سنگ و خشت افتاده ام را سرخ بسازد و دیگران به این خون سرخ قسم بخورند که سزایت را خواهیم داد.

هدف اینکه ای مسئولین شهرداری! آیا می بینید یا نه؟ من به توجه جدی ضرورت دارم. قبل از فرارسیدن زمستان سخت و سرد غور، من را ترمیم کنید ورنه روزی پشیمان خواهید گشت.

ارسال کننده: هاشمی، باشنده شهر چغچران

ولسوالی کشم بدخشان مردم وی را بحیث محمد اسلم؛ معلم قراردادی می شناسند که در ولایت غور بحیث متخصص زراعت مقرر است. متخصص بودن وی به دروازه زراعت معلوم است، زیرا فاصله بین هر قطار نهال های متمر باید حداقل 5 الی 6 متر باشد در حالیکه متخصص صاحب، نه ماستر صاحب، نه دوکتور صاحب فاصله بین هر قطار را یک متر گذاشته است. در بعضی حالات وی میگوید که والی صاحب ولایت، قوماندان صاحب امنیه و رئیس صاحب امنیت از جمله اقوام من اند و اگر هر کاری بکنم، کسی از من پرسان نخواهد کرد. در اخیر از والی صاحب ولایت خواهان برطرفی رئیس فعلی و مقرری رئیس جدید و پرتلاش با تحصیلات عالی هستیم.

ارسال کننده: نورالدین

یکتن از دهاقین قریه دامنه غورقند فیروزکوه از شما ممنون بوده و منتظر نامه های بعدی شما میباشد.

چند گپ صاف و پوست کند ه:

* پل مسخره یک هفته هم دوام نکرد و غلبه غلبه شد.

* رییس صاحب سابق معارف غور می گوید:

اگرنا مهربان بودیم، رفتیم!

اگر بار گران بودیم، رفتیم!

* پول و پارتی نداری، هوس شارت لست مکن!

* دل شیر ندای، سفر عشق مکن!

اگر معلم نمی بود، جامعه

در جهالت و تاریکی زندگی می گرد

4- این که یاد آوری کرده اید که رشته طب در دنیای متمدن رشته بسیار حیاتی می باشد، قبول؛ اما سوال این است که همین طبیب را آیا معلم آموزش نمی دهد؟؟

5- در اخیر از این که اعتراف کرده اید که نشریه فیروزکوه « اشخاص بی شماری را متوجه اعمال شان ساخته که از کرده های خود پشیمان هستند » واقعاً بسیار برای ما مایه ی خوشحالی و امید است. باز هم زنده و سرفراز باشید. منتظر انتقادات و نظریات بعدی شما هستیم. شاد باشید.

فیروزکوه

نامه ارسالی

توجه: نامه ذیل دیدگاه فیروزکوه نیست

دهاقین غور در سال 1385 با شنیدن نام رئیس زراعت که در آن ماستر، انجینر، دوکتور، لیسانس، متخصص زراعت و بعد

که معلم بوده اند و یا اولاد خود را معلم تربیه نموده اند، سخت احترام عمیق و قلبی دارند. اگر معلم نمی بود جامعه روشن نمی بود و کلاً در جهالت و تاریکی زندگی می کرد.

ناگفته نماند کسانی که در کمیسیون تجلیل از روز مادر کار می کردند و زحمت می کشیدند، هیچ کدام در ریاست امور زنان وظیفه اصلی نداشتند و به اصطلاح خدمتگار خدایی بوده اند. این هم پاداش شان!

دراخیر از تمام دست اندرکاران ماهنامه فیروزکوه امید می گردد، هر مطلب که به شما ارسال می شود، اولاً خوب دقیق جستجو کنید که تاچه اندازه حقیقت دارد، بعداً در ماهنامه چاپ نماید. گرچه بسیاری از مطالب شما دلچسب و آموزنده است و افراد و اشخاص بی شماری را متوجه اعمال شان ساخته که از کرده خود پشیمان هستند. در صورت تحریر مطالب حقیقت ما مردم غور همیشه از نشریه

ضمن سلام و احترامات خدمت تمام کارمندان ماهنامه فیروزکوه و آرزوی موفقیت در فعالیت های کاری شان، باید گفت که ماهنامه فیروزکوه در ویرایش مطالب تجلیل از روز مادر به دروغ گفتن دست باز داشته است. طوری که در ماهنامه تحریر شده بود که تمام جوایز روز مادر، برای داکتر صاحبان اهدا گردیده، کاملاً رد می گردد. برای 400 مادر جوایز آماده گردیده بود. تمام مادرانی که در تالار حاضر بوده؛ قدرانی شده اند. البته چیزی که در دسترس کمیسیون قرار داشته به قسم برگ سبز تحفه درویش توزیع گردیده. آیا در بین 400 مادر هیچ مادر معلم وجود نداشته؟ موضوع دیگری که تحریر شده بود مبنی بر این که به مادر معلم موقع حرف زدن داده نشده و به زور از تالار اخراج گردیده، این هم کاملاً رد می گردد. در آن محفل هیچ مادری را موقع میسر نشده که انتقاد یا اعتراض نماید و یا از

از جایش بی جا شود؛ زیرا برای 400 مادر جایزه به صورت عادلانه و بی طرفانه توزیع گردید. که شایستگی آن را داشته، یعنی حق به حقدار رسید. هیچ مادری را کسی به زور از تالار خارج نساخته و به کسی اوف گفته نشده، چه برسد به آن که کدام مادری را از تالار بیرون کرده باشند. حتا مادرک را نیز که یک زن مریض و سالخورده بوده به آن روز قدردانی شده و سرانجام برای 30 فامیل مهاجر که در خیمه زندگی می کردند تحفه توزیع گردیده است.

موضوع دیگر این که نام خود زن گرفته نمی شده و به نام مادر فلانی اعلان می شده، اسناد موجود است که هم نام خود مادر وهم نام پسرش که صفت معتبر کلمه داکتر بوده به زبان آورده شده، واقعاً در دنیای متمدن امروز سراغ داریم که رشته طب رشته بسیار حیاتی و قابل حساب و مسلک خدمتگار و نجات دهنده بشر از امراض مهلک می باشد. چنان چه در کانکورهای سالانه ببینید، از هر ولایت شاگرد بسیار ممتاز، لایق، ورزیده و اول نمره به رشته طب و طبابت انتخاب می شود. مادرانی که پسرهای شان برای مدت هفت سال در این رشته تربیه می گردد حوصله زیاد زحمت کشی و انتظار زیادی الی مدت هفت سال چشم به راه دارند. ضمناً کمیسیون برگزاری از روز مادر به تمام مادران به خصوص مادرانی

محترم فیروزکوه حمایت می کنیم.

با احترام

"داکتر عاقله شرف، نماینده

مردم در شورای ولایتی."

محترم بانو عاقله شرف نماینده شورای ولایتی غور!

اعتراض نامه شما چاپ شد. از این که به روش دموکراتیک و مدنی اعتراض تان را به ما فرستاده اید تا چاپش کنیم، از شما سپاسگزاریم. در پاسخ به نوشته شما باید گفت که:

1- مقاله فیروزکوه تحت عنوان «مادری که جایزه گرفت و مادری که جریمه شد!» یک طنز بود و در طنز طبیعتاً چاشنی های از تخیل و اغراق افزوده می شود. برداشت ما این است که مردم ما آن قدر سواد دارند که میان طنز و واقعیت خبری فرق بگذارند.

2- نوشته اید که ما به 400 مادر جایزه داده ایم و «آیا در بین این 400 مادر هیچ مادر معلم وجود نداشته». باید گفت که احتمال دارد به تصادف کدام مادر معلم هم برابر شده باشد؛ ولی منظور آن نوشته تقدیر آگاهانه بود.

3- جالب است نگاشته اید که «هیچ مادری را موقع میسر نشده که انتقاد و یا اعتراض نماید و یا از جایش بیجا شود» پس راستی استبداد خیلی شدید بوده! مارا نگاه!

محمد اسلم آرین پور تحریر میگردد، خوشحال شده و افتخار نمودند که با قدم همچو متخصص باعث رشد زراعت این ولایت عقب مانده خواهد گردید. ولی با تأسف اینکه در زمان ورود هیئت ریاست جمهوری به ولایت غور از درجه تحصیل خود پیشیمان و خود را فارغ صنف دوازدهم معرفی نموده است. بلی معلوم است که رفتار آن خلاف کلتور مردم غور است از اینکه نکتائی و یخن قاق با زیرپوشی سرخ بسیار کم مروج بوده و هکذا دهاقین به ده کیلومتری زراعت آمده نمیتوانند. برخورد مذکور با دهاقین بسیار زشت و استعمال مرگ موش رامنوع قرار داده و دهاقین بیشتر از موش متضرر شده اند و این کار وی باعث قطع علاقه مردم غور گردیده است.

در روز میله دهقان سال 1386 قریه پوزلیچ وردک ها را ولایت و قریه کمنج را ولسوالی نام نهاد. طبعاً یکنفر ماستر اگر فرق بین قریه و ولسوالی را نتواند، پس چی جای توقع باشد که از آن به حیث یک رئیس توقع کارهائی به سطح ولایتی را داشت؟؟؟؟!!! موضوع دیگریکه برای بنده خیلی تأسف بار بوده این است که حین ارزیابی رئیس زراعت که نماینده اصلاحات غرب آقای مسجون آمده بود، شورای محترم ولایتی کورکورانه وی را تأیید و یک رئیس کارکن معرفی داشته است. آقای محمد اسلم آرین پور هیچ سوانح ندارد و در

* وقتی که حضری و غیرحضری مهم نباشد، بعضی از وکلای محترم حق دارند که فقط سال دو روز در شورای ولایتی تشریف بیاورند.

* معیار اصلی در کاریابی اگر زبان انگلیسی و کمپیوتر باشد (به اجازه واسطه دارها) وای بر حال زبان فارسی خودمان!

* وقتی که مدیریت فواید عامه پل نازنین خود را این قدر باریک جور کرده که پسرها، دخترها را پهلوی می دهند و به آب می اندازند، از کی باید گیله کرد؟

* سارنوال صاحب خو خانه سامان و پیاده ره از بادغیس می آورد، ببینیم که رییس صاحب معارف چه می کند؟ (گل بادغیس نشین استرگی جرسم).

* کیفیت برنامه های تلویزیون محلی غور آن قدر عالی است و برنامه ها آن قدر جالب و جذاب است که تولسی و پربناره بیخی خو داده!!

* دریغا تشناب های عصری شهرداری که متأسفانه جور نشد و بودجه آن شت و پت شد! (خدا لب دریا را نگیرد).

* بعد از آنکه یک مقدار زیادی تریاک بدست پولیس افتاد، قیمت خرما به شکل بی سابقه ی و به علت نا معلومی در شهر چغچران (فیروزکوه) به شدت افزایش یافته است.

* کسانی که خواهر و یادختر خود را می دهند و پیشکش او را موتر می گیرند و سوار می شوند، مثل این است که ...

نگاهی به ضعف های برنامه ی ANDS در غور

چندی قبل هیاتی از طرف برنامه ANDS همراه با نمایندگان وزارت های سکتوری جهت انتخاب اولویت های انکشافی ، از کابل به مرکز ولایت غور آمدند. آن ها بامصرف پول هنگفت و باعجله چیزهای را بنام اولویت های انکشافی غور تهیه کردند و باخود به کابل بردند. برنامه ی که آن ها تهیه کردند و ما شاهد آن بودیم ، اگر اجرا هم بشود ، شکی وجود ندارد که سرانجام از طرف جامعه جهانی و دولت ، یک پروگرام غیر موثر و ناکام تلقی خواهد شد و ناکار آمدی آن به تجربه به اثبات خواهد رسید. زیرا :

1- در این برنامه صرف لست پروژه ها تهیه شده است و پلان سازی تنها، لست پروژه ها نیست .

2- در این برنامه از شرایط اقلیمی ، جغرافیای، آب و هوا، منابع طبیعی و فیزیکی موجود در آن اصلاً اطلاعاتی گرد آوری نشده است و این نکته مشخص نگردیده که مثلاً در غور در طول یک سال، فقط در شش ماه کار کردن ممکن می باشد

بودند یا خواسته شده بودند ، متاسفانه از همه مردم ولسوالی نماینده گی کرده نمی توانستند. باید در این باره به شورای ولایتی سهم بیشتر و فعال تری داده می شد و مشوره های آن ها حتماً باید گرفته می شد .

7- وقتی که پروژه ای را اولویت داده اند ، نقاط ضعف وقوت پروژه ها مشخص نشده است و معلوم نگردیده که مثلاً در منطقه ی غرچستان آیا ریگ آبی برای ساختن مکتب داریم یا آن را باید از جای دیگری بیاوریم ؟

8- هر پروژه ای را که دولت به کار آغاز می کند و هر برنامه که روی دست می گیرد ، باید باعث تقویه ی اتوریتته ی دولت گردد و مردم را به دولت نزدیک سازد. رفتار گردانندگان این برنامه با اشتراک کنندگان آن قدر بد و ناسالم و توهین آمیز بود که به هیچ وجه تصویر زیبای از دولت در ذهن اشتراک کنندگان بجای نگذاشت. تا موی سفیدان قشلاقی می خواستند موضوعی را به بحث بگیرند ، هیأت

متاسفانه از باشندگان شهر چغچران بودند. آن ها چه گونه می توانستند که از منافع قشلاق دفاع بکنند ؟ این که چرا این طور شده بود و چرا کسانی عوضی آمده بودند و نقش سیاهی لشکر را بازی می کردند ؟ و آیا مساله پولی بوده و یا علت دیگری در کار بوده است ؟ از مشاور انکشاف دهات و گرداننده گان دیگر این برنامه باید پرسید .

12- کسانی که از ANDS و وزارت های سکتوری آمده بودند و فقط یک مامور معمولی بودند، خود را بالاتر از رییس آن وزارت در غور و بالاتر از مقامات ولایت احساس می کردند و به اصطلاح خود را می ساختند، در حالی که والی ولایت نماینده ای رییس جمهور و نفر اول دولت در ولایت است و این منصب آن قدر مهم است که یک وقت اسماعیل خان والی سابق هرات حاضر نبود آن را با وزارت کابل عوض نماید. لذا هرکار در ولایت باید تحت نظر مستقیم والی یعنی نماینده رییس جمهور صورت بگیرد .

و شورای ولایتی خود را پاسخگو می داند ؛ اما اگر هیاتی محترم و شرکت کنندگان ولسوالی ها این توازن را در نظر نگرفته باشند از کی باید پرسید و کی پاسخگو خواهد بود ؟

14- تمام این برنامه و تهیه اولویت ها در پنج روز به انجام رسیده ، در حالی که پنج ماه هم واقعاً برای مطالعه درست و عمیق مساله و شرایط پیرامونی و مشوره با مردم و جمع آوری نیازها واقعی و نظریات و خواست های مردم و دیدگاه های حکومت کافی نمی باشد .

15- به طور نمونه یکی از برنامه های ANDS در ولسوالی دولتیار احداث و جغل اندازی سرک « خربید - اسفنج » می باشد . (بگذریم از این که خربید را خوبید نوشته اند) . آیا این پروژه واقعاً ضرورت مبرم و اولویت درجه یک مردم دولتیار است ؟ آیا همه مردم دولتیار به این پروژه موافقت ؟ آیا این پروژه ولسوالی را یا قریه را به کدام سرک عمومی و یا کدام شهر وصل می کند ؟ آیا حتا قریه را به مرکز ولسوالی وصل می کند ؟ آیا کدام نقش اقتصادی - تجارتي ای را دارا می باشد ؟ یا مثلاً در این پلان حتا یک متر سرک برای ولسوالی لعل در نظر نگرفته اند ، در حالی که لعل یکی از پرجمعیت ترین ولسوالی های غور می باشد و در سر شاهراه کابل- هرات قرار دارد و ترمیم سرک این ولسوالی اهمیت اقتصادی و اکمالاتی بسیاری دارد. ANDS این ها را در نظر نگرفته ولی بین ولسوالی پرچمن ولایت فراه و ولسوالی پسابند می خواهد سرک بسازد . چرا ؟ وبه کدام اهمیت ؟ این را از خاله بی خبری که خواسته شده بود باید پرسید یا از قاچاق بران تریاک و یا از گروگان گیران اینجنیران سرک ساز ؟

و در شش ماه دیگر به علت سرمای طاقت فرسا هیچ کاری نمی شود کرد. (آن ها زور چیغون بند باین را تاحال ندیده اند).

3- در این برنامه وضعیت و شرایط موجود ، تجزیه و تحلیل نشده است و معلوم نیست که در حال حاضر ما چه داریم ؟ چه نداریم ؟ چه می خواهیم و در یک سال دیگر به کجا باید برسیم ؟

4- توازن که یکی از شرایط بسیار مهم در برنامه ریزی های کلان می باشد، در این پلان رعایت نشده ، زیرا از بعضی ولسوالی ها کسی حاضر نشده بوده و آن ها ی هم که حاضر شده بوده از تمام ولسوالی نمایندگی کرده نمی توانستند.

5- کسانی که به حیث پلان گذار یا برنامه ریز دعوت شده بودند ، اولاً به روش و شیوه درست دعوت نشده بودند و ثانیاً فاقد ظرفیت و توانایی برنامه ریزی بودند. حتی بعضی های شان سواد هم نداشتند در حالی که PDP بعد از کار و تجربه دو ساله ، هنوز هم به مشکل پایین بودن ظرفیت مواجه است ، آدم بی سواد و نابلد چه گونه ممکن است که پلان بسازد و پلان خوب بسازد ؟

6- آن های که به حیث مردم یا نماینده مردم در برنامه اشتراک کرده

می گفت: از موضوع خارج شدی، ما وقت نداریم، فردا طیاره پرواز می کند، تو نمی فهمی و پیوسته هم از صیغه ی مفرد مخاطب به کلان و خرد استفاده می کردند. شاهد این مدعا آن است که حتی آقای مجیدی و رییس تربیه ی اطفال دو بار می خواستند که جلسه را به رسم اعتراض ترک نمایند .

9- برنامه های دولتی باید طوری سازماندهی شوند که مردم خود را در امر بازسازی شریک احساس کنند و در آینده از آن پروژه دفاع نمایند و آن را از خود بدانند . اما برای گردانندگان نابلد این برنامه نیازی احساس نمی شد که نظر مردم را ولو به صورت تشریفاتی هم که شده مهم جلوه دهند.

10- از کمیته کاری و تخنیک PDP که حدود دو سال می شود با این موضوع کلنجار می روند و اطلاعات مفیدی به دست دارند ، اصلاً کمکی خواسته نشد و کسی به آن ها اهمیتی قایل نشد و گرنه از اطلاعات و تجارب آن ها می شد که استفاده های خوبی در رابطه به پلان سازی به عمل آورد .

11- می گویند بعضی از کسانی که به نام نماینده ی ولسوالی ها دعوت شده بودند ، مخصوصاً در بخش زنان

13- کسانی هم که از قشلاق آمده بودند ، طبعاً فقط در خانه خود را می دیدند و مسلماً تلاشی می کردند تا همه برنامه ها را به سمت قریه ی خود کش نمایند، در حالی که پلان باید متوازن باشد و منافع همه مردم ولایت و منافع ملی و همه کشور باید در آن تامین شده باشد ، نه منافع اشخاص حاضر در پلان سازی .

PDP مکلف و مجبور است که توازن را رعایت کند ، زیرا در مقابل مردم

16- خلاصه این عجله و شتاب و این بی خبری و نا آگاهی و این بی تفاوتی و کم ظرفیتی باعث شده بود که یکی از پروژه های پیشنهادی ANDS در غور این گونه از آب درآید : « دایر نمودن ورکشاپ های شناسایی حقوق ذکور و اناث از قبیل پشم و غیره ». خوانندگان عزیز شما حالا از روی این جمله بقیه ی پلان را می توانید به سادگی قیاس نمایید .

واقعاً هرکس ارتباط « پشم » و « حقوق ذکور و اناث » را در این جمله کشف نماید و این معما را حل کند باید او را تقدیر کرد و برایش جایزه داد ، جایزه !

نبی ساقی

صاحب امتیاز:

استاد خالقداد فیروزکوهی

مدیر مسئول:

عبدالقدیر دلآوری / تماس: 0797069095

آدرس الکترونیکی: abdul_ghadir_delavary@yahoo.com

معاون مدیرمسئول: عبدالشکور عزیز / تماس: 0777334430

سر دبیر:

قربان کریمی / تماس: 0797073824

معاون سر دبیر:

اخترمحمد اخگر / تماس: 0797185065

گزارشگر در کابل:

قربان اتالیق پور / تماس: 0799756929

گزارشگران در غور: نجم الدین الهام و نظام الدین ضیائی

طرح:

عبدالوقار دانشیار / تماس: 0700012983

آدرس الکترونیکی: ferozkohm@yahoo.com

مسئول امور مالی: ضیاً الحق فیروزکوهی

هنیت تحریر:

عبدالسلام حیدری ، سید عبدالظاهر منیر ، ابوالقاسم

احمدی ، حکمت الله ، عبدالصبور ، غلام محبوب باسل ،

عبدالملك شیوا اوشانی